

[Afghanistan Digital Library](http://afghanistandl.nyu.edu/)

adl0641

<http://hdl.handle.net/2333.1/tdz08kxz>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

۲



نظامِ منظمہ جرائدِ عسکری

در مطبع دائرہ تحریرات مجلس عالی وزراء طبع گزید

۱۴۰ دلو - سنہ ۱۳۰۲

تعداد طبع ثانی (۱۰۰۰) جلد





نظامنامه جزای عسکری

باب اول

مقدمه

فصل اول

قواعد عمومی

قاعده

۱: — محاکمه منصبداران و سپاهیان بانیله با فعل در اردوی
اقتدارستان خدمت میکنند، و نامورین ملکیه که
در وادار عسکری مستخدم میباشند در دیوان حرب
اجرا میشود، و محاکمه سپاهیان و منصبداران

(جزای عسکری)

کو توالی و پولیس نیز کذا لک در دیوان حربیه اینکه
بایشان مخصوص است رؤیت میگردود.

۲: — دیوان حربیه با در حق مجرمین بموجب نظامنامه جزا
عسکری تعیین جرایم نمایند و جرایمی جرایمی که درین
نظامنامه ذکر نشده اند نظر بنظامنامه جرایمی ملکیه
تحدید میشود.

۳: — جرایمی که در باین نظامیان و کسانیکه نظامی نباشند
ظهور کنند محاکمه آن در محکمه عدلیه رؤیت
میگردود و اگر نظامیان با چند نفر غیر نظامی در خارج
خدمت عسکریه یک جرمی را که بنظام تعلق نداشته
باشد مشترکاً ارتکاب نمایند محاکمه ایشان نیز
در محاکم عدلیه اجرائی یا بدو فقط محل انفاذ جزائی
که در حق عسکریه با صا در گرد و جهت عسکریه است
هرگاه جرمیکه ارتکاب کرده اند از جمله جرمهای
باشد که در فصل (نهم) باب (دوم) این نظامنامه
تصریح و توضیح گردیده است محاکمه کافه آنها
در دیوان حربیه رؤیت می یابد.

(جزای عسکریه)

۴: — در دیوان حربها دعویها بے حقوق پذیرفته نمیشود،

و علاوه بر آن دیوان حربها در باره دعوای حقوق
شخصیه اعطای حکم نمی نمایند، و در صورتیکه اینچنین
یک معامله در پیش افتد، برای حکم و تعیین حقوق
شخصیه اوراق دعوی را بمحاکم عدلیه میسارند.

۵: — مجازات عسکرانیکه نظامات مالیه و ملکیه مخالفت

کنند، بموجب قاعده ثانیکه در نظامنامه
آن تصریح گردیده اند حکم میشود، فقط از سلاح
اندازان جزای نقدی گرفته نمیشود و بر طبق
نظامنامه جزای ملکیه سلاح اندازانیکه بجزای
نقدیه محکوم گردند، جزای نقدی شان بحبس
تحويل میاید باین طریق که برآی پنجره پیه اول (فی رویه
یکروز) و علاوه بر پنجره پیه اول (برای هر پنجره پیه یکروز) مجبورینند
مگر از سلاح اندازانیکه از سبب دیت، ورشوت
و سرقت و ارتکاب سایر مجزای نقدی محکوم گردیده
باشند جزای نقدی گرفته می شود.

۶: — جریمه نیکه قانونا مستلزم مجازات اند بر سه نوع

است :-

اول قباحه ، دوم خفه ، سوم جنایت

۷ :- قباحه مستوجب مجازات تکذیریه جنحه مستوجب

مجازات تادیبیه ، جنایت مستلزم مجازات

ترمیمیه جبهائی هستند .

۸ :- مجازات تکذیریه در باره کافه منسوبین عسکریه

از (۲۴) ساعت تا (۴۵) روز جزای

حبس است ، در باره سلاح اندازان از سه چوب

تا پانزده چوب جزای ضرب و جزای موقوفیت

رتبه نامی خور و ضابطان هم از مجازات تکذیریه

است .

۹ :- مجازات تادیبیه در حق منصبداران عبارت است

از جزای موقوفیت از رتبه عسکریه شان و در

باره همه منسوبین عسکریه [از چهل و پنجره تا سه سال

حبس عادی] و برای سلاح اندازان جزا

ضرب است [از پانزده چوب تا هشتاد چوب]

۱۰ :- مجازات ترمیمیه در حق عموم منسوبین عسکریه

عبارت است از جزای حبس [از سه سال تا حبس

دوام و اعدام]

۱۱: — جزای حبسی که متعلق است بجازات تکدی ریه بنام

نظر بند می و حبس ریاضت بر دو نوع است

حکم نظر بند می که در حق منصبداران صادر گردیده باشد

در حالیکه در کوته خودشان بوده بر دروازه خود

شان یک نفر بهره دار معین باشد اجرا میگردد و حبس

ریاضت در درون چاه و فی در یک کوته که برای

منصبداران حبس خانه اتخاذ گردیده، در حالیکه بر

دروازه آن یک بهره ایستاده باشد ایفای می یابد

و سلاح اندازانیکه بحبس ریاضت محکوم گردیده

باشند، منفرداً یعنی تنها تنها حبس میشوند و

بمنصبداران و سلاح اندازانیکه بحبس ریاضت

محکوم گردیده باشند در روز تنها دو پا و (زان

خشک) و بقدر ضرورت آب داده میشود

غیر ازین دیگر رقم خوراک و چای و تنباکو و قهوه

و از قبیل آن دیگر کیفیات داده نمی شود.

۱۲: — کسانی که از جمله خورده ضابطان دولتی مشران از سه چوب
تا پانزده چوب بجزای ضرب محکوم گردیده باشند
در پیش روی هم رتبه های خود مجازات میشوند
چون این مقدار جزای ضرب و جزای حبس
از میت و چهار ساعت تا چهل و پنج روز مستحب
موقوفیت رتبه شان نیگردد. و برای اینکه قدر
و قیمت ایشان در نظر سپاهیان نقصان
نپذیرد جزای ضرب شان در پیش روی
سپاهیان اجرا میشود.

۱۳: — کسانی که از جمله سلاح اندازان بجزای ضرب
محکوم شوند، بایک چوب صاف بی شاخه
که پنج بدست دراز و یکی آن بقدر انگشت کوچک
باشد زده میشوند، جزای ضرب درجهه صاف
حرب تولی و یا کندک که محکوم به آن منسوب است
و در پیش روی منصبداران نوکرمی والا
همان توله و کندک اجرا میشود.

۱۴: — خورده ضابطان و دولتی مشران بجزای مجازات

تا دینیه محکوم گردیده باشند رتبه شان موقوف
 میشود و تا زمانیکه دو سال بحیثیت یک سپاهی خدمت
 عسکریه را ایفا نکنند و دوباره ترفیع نمیشوند، خود
 ضابطان و دولی مشرانیکه رتبه شان ساقط گردید
 بجزای ضرب محکوم شده باشند در پیش روی
 هیئت عمومی قطع که بآن منوبند زده میشوند .

۱۵: — منصبدارانیکه یک سال و یا زیاده بران بحبس

محکوم گردیده باشند، در عین زمان بجزای
 موقوفیت از خدمت عسکریه هم محکوم میشوند .

۱۶: — حکم ای موقوفیت منصبدارانیکه بجزای موقوف

محکوم گردیده باشند بر وجه ذیل اجرامی پذیرد: —

اولاً - منصبداران و سلاح اندازان غنچه و یا

کند کیکه منصبدار محکوم به آن منوب است

بی سلاح گردیده در صحن چای و فی دیامیدان

تعلیم اجتماع میکنند .

ثانیاً - بشرطیکه بر بالای منصبدار محکوم هیچ کجی

از علامات عسکریه موجود نباشد، در حالیکه

(جواب عسکریه)

در محافطه یک قطعه مسلحه پنجاه نفری عسکری
بوده باشد به حیثه صفت حرب این عسکر
آوردده میشود .

ثالثاً: یکی از اعضائی بهمان دیوان حربیکه حکم طرد
در باره او داده است مضبوط دیوان حرب
با صورت فرمائیکه از طرف اشرف پادشاه
تصدیق آنرا حاوی بوده است قرائت میکند
رابعاً: اگر مطرود علاوه بر آن بجزایر حسن هم محکوم

گردیده باشد برای پورو کردن جزایر
خود را در حسن خانه ملکیه بکو توالی تسلیم میشود .

۱۷: سلاح اندازانیکه بجزایر ضرب از پاتروده چوب
الی هشتاد چوب محکوم گردیده باشند پیش
از اجرا یا فتن جزایر ضرب شان بطیب معاینه
کنائنده میشوند اگر محکوم بیار باشد بعد از رفع
و ازاله بیار می بجزایر میرسد .

۱۸: خواه سلاح اندازان خواه منصبداران که زیاد
از یکسال بجزایر حسن محکوم گردیده باشند در

جس خائنہ کوتوالی با نیامی مدت جس شان مجبورند و اینچنین
 اشخاص از خدمت جلیلہ عسکرۃ ہم محروم میگرددند .
 ۱۹ :- جزای اعدام ہر گاہ موافق بنظام نامہ جزا ہے
 عسکری از دیوان حرب صادر گردیدہ باشد
 طرز اجرامی حکمی در این باب دادہ شدہ باشد بروجہ
 ذیل اجرا میگردد :-

اولاً :- ہمان غنڈہ یا کند کیکہ محکوم بدان منسوب ہے
 بیسلاح گردیدہ در محلیکہ (میدان سیاست)
 مقرر گردیدہ باشد فراہم کردہ میشود
 ثانیاً :- در حالیکہ بر محکوم سبچ یکی از لباس
 عسکری موجود نباشد در تحت حمایت
 قلعہ مستحق پناہ نفری میدان سیاست
 یعنی قتل گاہ آورده میشود

ثالثاً :- یکی از اعضا ہے ہمان دیوان حرب کہ در بار
 او اعطای حکم نمودہ اعلام حکم را با فرمان
 ہمایونی کہ آنرا تصدیق میکند چہرا میخواند
 رابعاً :- چشم ہای محکوم را بستہ محل مخصوص ہر

- میشود و در آنجا بیک قطعه دوازده نفر
 که از نشا پختی های بسیار ماهر و مکل که از اول
 احضار گردیده اند از طرف تولى مشر نوکری
 والا با شارت دست بر بالای محکوم حکم
 آتش داده میشود و نشا پختی های عین بر سینه
 محکوم نشان گرفتن آتش دادن مجبور اند .
 ۲۰ : محکوم پیش از آنکه بیدار سیاست آورده شود
 بالای او آید دست کشیده و در کعبه نماز خوانده
 میشود و بواسطه نام کندک که در آنجا موجود میباشد
 توبه و استغفار بار آورده و آموخته اند و داشتن و یا نداشتن
 وصیتش از او پرسیده میشود .
 ۲۱ : در روزهای جمعه و سایر ایام مبارک و مخصوصه
 حکم اعدام اجرا نمیشود .
 ۲۲ : اگر حکم اعدام بر طبق نظامنامه جزایه ملکیه
 از طرف دیوان حرب و یا از طرف محکمه عدلیه
 داده شده باشد در اول امر بطریقیکه در قاعده
 (۱۵) بیان گردید بعد از آنکه معامله مقتضیش

در پیشروی قطعه عسکریه که بآن منوب است تمام
پذیرفت برای اینکه حکم اعدام موافق با اصول ملکیه
اجرایابد. خودش بکوتوالی تسلیم کرده میشود.

۲۳: - مجرمین عسکریه که زیاده از یکسال محبس محکوم گردیده
باشند بعد از آنکه بکوتوالی سپرده شوند، مثل
محکومین ملکیه مدت جزائیة خود را ایفا و اکمال نمایند.

۲۴: - یک شخصیکه بروی چندین جرم بیک باره گئی
ثابت شوند، از جمله آنها بموجب همان جرمیکه تسلماً
جزای سنگین تر باشد حکم در باره وی صادر
میکرد.

۲۵: - تخفیف جزای محکومین عسکریه فقط از جمله حقوق
پادشاهی است.

۲۶: - حکم جزای جرایمیکه از نوع خج و جنایت باشند
خاص در حضور دیوان حرب بالحا که صادر میگردد.

۲۷: - برای جرایمیکه از نوع قباحات باشند صاحبان
هر رتبه در باره ماتحتان خود بروجه ذیل اختیار
دادن امر جزا دارند.

اول :- سپه سالار، نائب سالار، فرقه مشران
لوا مشران در باره منصبداران ماتحت
شان [از بیست و چهار ساعت تا چهل و
پنجره روز نظر بند می و حبس ریاضت]
و در باره سلاح اندازان [از بیست و
چهار ساعت تا چهل و پنجره روز نظر بند می
و حبس ریاضت، و از سه چوب الی پانزده
چوب ضرب].

سپه سالار اختیار رفع رتبه خورد و ضیان^{بطا}
و لگی مشران را هم دارد.
دوم :- غده مشرا اول و ثانی و کندک مشران باره
منصبداران ماتحت خود [از بیست و چهار
ساعت الی پانزده روز نظر بند می و حبس
ریاضت].

و در حق سلاح اندازان [از بیست و چهار ساع^{عت}
تا پانزده روز نظر بند می و حبس ریاضت، و
از سه چوب الی ده چوب جزای ضرب].

سوم: - کاتب غنڈ کاتب کندک براہ راست دربارہ
جرم سرپرک مشران و کاتب های توبلے
که در حیتت شان مستخدم میباشند به غنڈ
مشران و کندک مشرانیکه با آن منوبند
مراجعت کرده جزای شازا تحدید نموده
میتوانند .

چهارم: - توبلی مشران دربارہ ضابطان و سلاح
اندازان ماتحت خودشان [از میت چهار
ساعت تا سه روز نظر بندی حبس
ریاضت] .

پنجم: - بلوک مشران اول و ثانی دربارہ سلاح
اندازان ماتحت شان [از میت چهار
ساعت تا سه روز نظر بندی حبس
ریاضت] .

۲۸: - منصبداریکه حکم جزای ضرب را داده باشد،
این جزا را بالذات بدست خود اجرائی تواند،
این جزا بهمه حال بطریق که در قاعده (۱۳)

بیان گردید، درحاضری شام اجرا میشود .
 ۲۹: — یک منصبدار یک قباحت ماتحت خود را مستلزم

چنان جزایست تکدی ریه که بالاتر از اختیار درجه خودش
 باشد حس نماید، بمنصبدار مافوق خود مراجعت نموده
 جزای را که در دایره صلاحیت و اختیار مافوق
 اوست بواسطه خود او تخدید کرده میشود .

۳۰: — هر منصبدار یک در داخل دایره اختیار و مافوقیت خود ماتحت
 خود را مجازات نماید، لازم که بعد از اكمال جزا با تخریر
 رسمی اصل کیفیت و اسباب موجب آزار بمنصبدار مافوق
 خود اخبار و اشعار نماید .

۳۱: — هرگاه از نوع قباحت کدام جریمه بنا بر یک سبب

سبب یا بحضور یک دیوان حرب برسد، در حق مجرم
 جزای را که در نظامنامه جزا در باره آن مندرج است حکم میکند .

* *

*

فصل دوم

(صورت تشکیل دیوان حرب ما)

۳۲: — هر دیوان حرب از یک رئیس و شش عضو ترکیب یابد،
برای محاکمه منسوبین عسکری که در هر رتبه و هر مقام باشند علیحدگی
رتبه رئیس و اعضا، دیوان حرب در جدول ذیل نشان داده شده است:—

جدولیکه رتبه رئیس و اعضا هر دیوان حرب در مقابل رتبه متهمین نشان میدهد:—		
رتبه متهمین	رتبه رئیس دیوان حرب	رتبه شاهینک از اعضا
نخود صابطان و یک مشران و سیاهپان	غند مشر و یکند کشر	یک کند کشر دو تولیمشر یک بلوکشر اول یک بلوکشر ثانی یک خور و ضابط
بلوکشران	" "	یک کند کشر دو تولیمشر دو بلوکشر اول یک بلوکشر ثانی
تولیمشران کاتبان کشر	غند مشر اول یا ثانی	یک غند مشر ثانی دو کند کشر سه تولیمشر
کند کشران کاتبان غند	لوا مشر و یا غند مشر اول	یک غند مشر اول دو غند مشر ثانی سه کند کشر
غند مشران اول یا ثانی	فرقه مشر و یا لوا مشر	سه لوا مشر سه غند مشر
لوا مشران	نائب سالار و یا فرقه مشر	سه فرقه مشر سه لوا مشر
فرقه مشران	" "	دو نائب سالار چهار فرقه مشر
نائب سالار ما	نائب سالار	سه نائب سالار سه فرقه مشر

(افزای عسکری)

- ۳۳: — محاکمه سپه سالار مانند وزرا بدیوان عالی عاید است .
- ۳۴: — رئیس و اعضای دیوان حرب بهمه حال باید تبعه افغانستان باشند و عمر هیچکدام شان از بیست سال کمتر نباشد، و با ششم نباید قرابت و نه مناسبت داشته باشند، و نه در این شان و ششم یک سابقه غرض نفاسیت بوده باشد .
- ۳۵: — در قوماندهانی قول اردو و مرکز کابل و فرقه ها و غندها و مستقل برای محاکمه سپاهیان و ضابطان و خورو ضابطان یک یک دیوان حرب دائمی تشکیل گردیده است رئیس و اعضای این دیوان حرب با بسببیکه سال یک دفعه تبدیل می یابند از میان آمران ضابطان که بصنوف مختلفه منسوب میباشند متناوباً انتخاب میگردند تطبیق دستخط های اعضا دیوان حرب دائمی و رئیس آن از طرف قوماندهاها و قول اردو مرکزی کابل و فرقه ها و غندها و مستقله متعلقه آنها مصدق گردیده بوزارت حربیه فرستاده میشود و در آنجا بجلس عسکری حفظ کرده میشود .
- ۳۶: — هرگاه محاکمه یکی از آمران و یا ارکان لازم آید بطریقیکه

در قاعده (۳۲) بیان گردید یک دیوان حرب قوت
تشکیل میگیرد.

و اگر در یکت فرقه برای تشکیل یک دیوان حربیکه بر
متهم متناسب باشد درجه کافی منصبداران یافته
نشوند بوزارت حربه مراجعت میشود، و بواسطه
وزارت یا از فرقه های دیگر انتخاب گردید
بجای مذکور سوق میشود، و یا خود متهم بکابل جلب
گردیده و در وزارت حربه در دیوان حربی
که عیناً با صولیکه در جدول نشان داده شده
تشکیل گردیده باشد محاکمه اش اجرا میگردد.

* *
*

(جواب عسکری)

فصل سوم

صورت سوت مشوبین عسکریه دیوان جز
و صورت اجرای محاکمه و صورت تصدیق
حکما به دیوان حرب باره آنها

۳۷ — بجز ویکه از طرف مافوق ارتکاب جرم بدرجه جنحه و جنایت
از یکی از منصبه اران و سلاح اندازان خبر گرفته شود
و یا حس گردد در باره آن یا بالذات و یا نظر به بیت
جرم بواسطه یک بهیشتی که از سه منصبه مرکب باشد
تحقیقات ابتدائیه اجرا کرده میشود .
گسائیکه به اجرای تحقیقات ابتدائیه مأمورند جمیع افاداتی
که مدارثبوت جرم باشند قید و هر قدر دلائل اماراتی
که در آن خصوص موجود اند کافیه آنرا ضبط و حفظ میکنند
هرگاه جرم مضمون متعلق باشد بمجاسبات همه اوراق
حسابیه اشس تدقیق و از میان آن هر قدر اوراقیکه
شبهه ناک و مدارثبوت جرم او باشند که الکل
در میان اوراق تحقیقیه وی ادخال کرده میشوند

جمیع صحیفه هاییکه افادات مظنون و شهود را حاوی بود
 با کافه کتا بها و اوراق ثبوتیه به مأمورین تحقیق و دستخط
 کرده میشوند، و مظنون نیز خاتمه بدستخط کردن هر
 افادات خود مجبور است همچنان در آخر افاده ماست
 خود این جمله را که اوراق حسابیه که مدار ثبوت جریمه
 هکی بخودش عاید میباشند دستخط و تصدیق میکند
 بعد ازان مأمورین تحقیق یک خلاصه که نتیجه تحقیقات
 همین، و بر افادات و اوراق ثبوتیه مبتنی باشد
 با فکر و قناعت مخصوصه خود در حق وجود یا عدم جرم
 بیان و اوراق را بذاتیکه تحقیقات را امر داده است
 تقدیم میکنند.

مأمورین تحقیقات باید از روی رتبه مافوق کسی باشند
 که در خصوص او تحقیقات اجرا کرده میشوند، و یا
 همه مال بهم رتبه بودن شان لازمست.

۳۸: — هرگاه در نتیجه تحقیقات در صورتیکه وقوع جرم

قناعت مطلقه حاصل گردد، و مظنون از ضابطه
 و سلاح اندازان باشد بدیوان حرب دائمی

فرقه سپرده میشود، و اگر مضمون از غیر فرقه رساله
شاهی کابل بوده یکی از قطعات و یا تشکیلات
عسکریه منسوب، و یا خود مأذوناً و یا مأموراً در کابل
ساکن باشد بدیوان حرب دائمی قوماً مذاً فی
مرکزی کابل حواله و تودیع میشود، اگر مضمون از جمله
آمران و یا ارکان باشد اوراق تحقیقیه و
بوزارت حربیه تقدیم، و در باره لزوم تحت
محاکمه گرفته شدن او اجازت طلب میشود،
وزارت حربیه نیز تا زمانیکه دائره محاکمات
و هیئت تشکیل یا بد اوراق تحقیقیه را (بجلس عسکری)
و بعد از تشکیل یافتن دائره محاکمات بخود دائره
مذکور حواله میکند، تدقیقات اوراق تحقیقیه
بجلس عسکری و یا دائره محاکمات هرگاه در باره
وقوع جرم قناعت نباشد، یک مضبطه لزوم محاکمه
مضمون را حاوی و بر دلائل واضح مستند
باشد تنظیم گردیده بوزارت حربیه تقدیم میشود
و وزیر حربیه نیز این مضبطه را با یک عرضیه از طرف

خود را بجنور شامانه تقدیم و اجازه دادن و مساعدت
فرمودن محاکمه مظنون را بذات بایونی عرض میداد
و در صورتیکه معروضات مقبول منظور گردد و ضبط
مجلس عسکری و یا دائره محاکمات با مضامین تصدیق
شامانه سوختن گردیده بوزیر حربیه اعاده میشود و وزیر
حربیه اجازت محاکمه مظنون را یا در دیوان حربیه
بهان قطع که بآن منسوب است یا در یک دیوان
حربیه در مرکز سلطنت تشکیل داده خواهد شد
امر میکنند .

۳۹: — هرگاه جرم مظنون از نوع جنایت و جرایم مشهوده
باشد براساس جلوگیری مظنون از فرار و یا بعض
تشبیهات دیگر وی که موجب استقاط دلالت
بثبوتیه از درجه حکم و اعتبار گردد تا زمان اجرا
تحقیقات اکتفا باینه بتوقیف عادی و یا انفرادی
او مافوقش امر داده میتوانند .

و اگر آوردن بجهت آن اوراق و دفاتر یکدیگر
بثبوت جرم باشند و یا سوق کردن صندوق

مخصوص حفظ پول است یحجا با اوراق تحقیقه ممکن
نباشد. کافه اینگونه چیزها از طرف مأمورین تحقیق
مهر و لاک گردیده و در هر جایکه همان ذات امر
دهند و تحقیقات حکم کند حفظ میشوند.

۴۰: — در دیوان حرب محاکمه بصورت ذیل جریان می یابد:—

اول:— دیوان حرب در تحت ریاست رئیس خود
اجتماع میکند، در خانه که دیوان حرب
در آن اجتماع میاید، شرط است که یک
میز در بالای آن میز پوش قماش
سبزین رنگ باشد و رئیس باید یکی از
دو طرف کبر میز نشسته اعضا سه سه شده
بر تبه های خود شان برابر بطرف یمن
و یسار رئیس خود در حالیکه در پیشروی
هر کدام یک یک قلم و دو ات و یک
مقدار کاغذ سفید برای قید یادداشت
های شان موجود باشد، اخذ موقع مینمایند
کاتب های دیوان حرب در سمت مقابل

رئیس موقع میگیرند. اینک بعد از آنکه بدینطور
 دیوان حرب تشکیل گشت، مظنون بحضور
 دیوان حرب و زآورده میشود، هرگاه
 جرم از درجه جنایت باشد و نفوذ و رضا
 بی تفنگ در حالیکه فقط یک یک حرب
 و یا یک برچه در کمر آویخته باشند بر است
 و چپ مظنون استاده و طیفه محافظت
 و پهره داری را ایفا مینمایند.
 در دروازه دیوان حرب یک نفر پهره و یک
 برچه یک موجود میباشد، و بدون اجازت
 رئیس احدی را داخل شدن نمیکند.
 دوم:- رئیس اسم خود مظنون، و اسم پدر
 و ملکت، و سن و رتبه، و تامل و نام
 و نمبر قطعه او را میپرسد و این سوا لها
 با جواب، و اینکه مظنون میدد از طرف
 کاتب عیناً ضبط و ثبت میگردد، و متصل
 بکاتب قرائت اوراق تحقیقی که در باره

مظنون است امر داده میشود و کتاب بعد از
آنکه همه اوراق را سر تا پا خواند مظنون
از حضور دیوان حرب بیرون کشیده میشود
و بیک خانه که در آن هیچکس نباشد
برده میشود، هیئت دیوان حرب بر او را
تحقیقات ابتدائی علم آورده بعد بامذکره
قرار میدهد، که آیا مبادرت نمودن
بجای که ممکن است یا نه، و آیا دلائل جرمیه
تاماً در دست است یا خیر؟ بعد تا اگر
دیوان حرب در حضور خود بدو اطمینان
قرار دهد مظنون بآلتکار بحضور دیوان
حرب جلب گردیده با جرمی محاکمه اش
آغاز میشود و مظنون از طرف رئیس
استجواب میگردد، و در اثنا
این سوال و جواب هیچ یکی از اعضا
در مقابل مظنون و شاهد نامیک سوال
هم ایراد کرده نمیتوانند، اگر روشن

۲۵

گردانیدن تفصیل دادن بعضی نقطه را
لازم بینند آنرا یک آواز بسیار آهسته
بر رئیس عرض میدارند. در آشنای دوام
محاکمه در میان اعضا محکمه بهیچ صورت
باید تعاطی رمز و کنایات نشود، و خارج
بحث هیچ یک مکالمه باید نه از طرف
رئیس و نه از طرف اعضا بر پا گردد و حتی
بسیار کشیدن، و مان خوردن -
و الحاصل هیچ یک حرکتی که خلاف
بیعت بیعت باشد باید بهیچ وجه مبادرت
ورزیده نشود، بعد از جلب شهود و اتمام
معاملات سائر که در نظامنامه محاکمات
جزائیه مصرح گردیده هرگاه بجرمیت مظنون
قناعت حاصل شد نظر بنوعیت و درجه جرم
یکی از جزائیه که در این (نظامنامه جزایه
عسکری) مندرج گردیده محکوم میگردد
و حکم مجرم فهمانیده میشود، این لازم نیست

(جزایه عسکری)

کہ ہر حال جرایے محاکمہ در یک جلسہ اتمام
 پذیر گردد، بلکہ نظم و بلزوم آن در جلسہ
 متعدّد بمحاکمہ دوام نورزیدہ میشود۔
 مہوم۔ اگر دیوان حرب حکم کند کہ اوراق تحقیقہ
 بدرجہ کہ هنوز قابل جرایے محاکمہ باشند
 مکمل نگردیدہ و بلکہ بہ اجرایے تحقیقات
 مزید محتاج است لہذا یکی از اعضا بہ
 خود استنطق انتخاب میکند، و اجرایے
 تحقیقات مکملہ استنطاقیہ را بہ او میسپارد
 مستنطق بعد از احوال و طیفہ خود اوراق
 تحقیقیہ استدائیہ را با یک قذائف کہ بر
 علیہ مظنون حاوی ہے بر دلائل ثبوتیہ است
 رئیس تقدیم میکند، و متعاقب آن
 بطریقیکہ در بالا در فقرہ (۲) بیان گردید
 محاکمہ جرایان میگیرد۔
 چہارم۔ مظنون را بہ عدم اعتقاد خود را
 در بارہ اعضا بہ دیوان حرب

در بارہ اعضا بہ دیوان حرب

۲۶

بشرط در میان آوردن دلایل ثبوتیه و قطعیه بیا
کرده میتوانند در حال وقوع انجمنین یکتا و جدا
مطنون به بیرون کشیده میشود و اعضا
در حقیشان رأی عدم اعتقاد داده شد
نیز موقتاً بیرون سب برایند اعضا
باقیه دلایلی را که مطنون بیان کرده است
تدقیق میکنند که آیا درجه کافی قناعت
بخش هستند یا خیر؟ آخر الامر یا بر دخوا
مطنون متهم ارداده اعضا نیکه موضوع
بحث اند بالتکرار بدیوان حرب اذغال
گردیده و مطنون را داد است گردانیده
بها که ده احم در زیده میشود، و یا آنکه
در عرض آنها تعیین گردیدن اعضا می
دیگر بقوماندان همان قطعه که دیوان
حرب بآن منسوب است عرض کرده
میشود .

۴۱ : — بعد از آنکه از دیوان حرب حکم صادر و مجرم

۲۱

فهمانیده شد دیوان حرب یک مضبطه مفصله تنظیم
 میکند. و درین مضبطه اولاً جمیع دلائلی که مدار
 ثبوت جرم باشند یگان یگان تعداد کرده میشوند
 و افادات مجرم بنسب خلاصه ذکر میشوند و در نتیجه
 نوشته میشود که از فلان فلان دلائل و امارات
 بر ثبوت جرم قناعت حاصل گردید. و با فلان
 نوع جرم بجهت مجرم قرار داده شد و متعاقباً مجرم
 موافق بفلان قاعده نظامنامه جزای عسکری
 محکوم گردید بلکه ضرور است که عیناً همان قاعده
 نظامنامه جزای عسکری که به محکوم متعلق است
 در مضبطه درج گردد.

۶۷ اگر محکومیت بدرجه جنایت بوده باشد و مجرم
 خواه سلاح انداز باشد، و یا منصبدار، مضبطه
 دیوان حرب که در حق او داده میشود از طرف
 رئیس دیوان حرب بقومانذانی مرکز
 کابل و یا قومانذانی فرقه تقدیم گردیده از
 آنجا بوزارت حربیه فرستاده میشود و وزیر

حربه مضبطه را (مجلس عسکری) و دائره محاکمات
حواله یناید. در آنجا بعد التقدیق هرگاه قناعت
حاصل آید که جریان یافتن محاکمه سرایا با اصول
و نظر بدوجه جسم تجدید گردیدن جزا موافق نظام
بعل آید بهمان است که مضبطه تصدیق و به
وزیر حربیه تقدیم میشود. و وزیر حربیه آنرا بایک
تذکره معروضه خود بحضور مبارک شاهانه عرض
میکند. و بعد از آنکه از طرف اشرف ملوکا
تصدیق فرموده شود دوباره بوزارت
حربه اعاده گردیده حکم بانجا در معرض اجرا گذاشته
میشود. و هرگاه مضبطه قناعت بخش دیده نشد
و در اجراء محاکمه بعضی نواقص مشاهده
افتاد نقطه نای جالب تر و دشوار با نقطه
نقصان مندان در مضبطه که (مجلس عسکری)
تنظیم دهد تصریح گردیده بعرفت قوماندهانی
فرقه که دیوان حرب بآن منسوب است
و پس بهمان دیوان حرب اعاده میشود.

و در آنجا نقصان واقع اتعام پذیرفته حکمی که بار دوم
اعطا گردد و یا مضبطه مجلس عسکری و بهمان مضبطه
و یوان حرب نخستین یکجا دوباره بوزارت
حربیّه تقدیم گردیده و معاملات باقیه سابقه
بتکرار اجرا پذیر میگردد.

۴۳: — هرگاه جرم از نوع جنحه و محکوم یکی از آمران
و یا ارکان باشد باز هم مضبطه بوزارت
حربیّه تقدیم گردیده بعد التذقیق در مجلس عسکری
و یا دارؤ محاکمات معرفت وزیر حربیه بحضور
مبارک شامانه عرض میشود و بعد از تصدیق
اعلیحضرت شهریار می هر حکمی که باشد در وزارت
حربیّه اجرا پذیر میگردد و در صورتیکه نقطه
جالب تردد و ملاحظه گردد، بموجب فقره اخیر
قاعده (۴۲) معامله میشود.

۴۴: — اگر جرم از نوع جنحه بوده محکوم از ضابطان و
و یا سلاح اندازان باشد و حد اعظم
محکومیت حبس یکسال و یا در باره سلاح احوال

۳۱

متعلق باشد بجزای ضرب از (۱۵) چوب
الی (۱۰) چوب قوماندا نهایی فرقه مضبطه
دیوان حرب را تصدیق نموده در موقع اجرا
میگذارند و یک نقل مضبطه دیوان حرب را
بوزارت حربیه تقدیم میکنند اگر محکومیت
متعلق بجزای حبس از یکسال تا سه سال
و در باره ضابطان باید بجزای موقوفیت
رتبه باشد مضبطه دیوان حرب بوزارت
حربیه تقدیم میگردد و وزیر حربیه هرگاه مناسب
دید آزاد در مجلس عسکری و یا دائره محاکمات
تدقیق مینماید و یا هیچ در اینجا آزاد تدقیق
نموده بالذات تدقیق و تصدیق مینماید نقطه
برای اجرای حکم موقوفیت که در باره ^{حیان}
صادر گردد لازم است که بایان کردن اسباب
سوجه آن از حضور مبارک ستانمانه اجابت
خواسته شود
حکمای جنو که بتصدیق وزیر حربیه رسیده

در مجلس عسکری

باشند در نزد قطعه که محکوم بدان منسوب است
اجرا پذیر میگردود، منصبداران سلاح اندازا
که زیاده از یکسال بجزایه حبس محکوم گردند
بعد از آنکه بموجب قاعده (۱۶) معاملة
موقوفیت شان اجرا گردد با مضبطه که حکم حبس
شان را تا میعاد معین حاویست و نقل
تصدیق نامه وزارت حربیه و صورت
اراده سفینه که در باره شان صادر گردید
یکجا بکو توالی تسلیم میشوند.

۴۵: — حکمهای جنحه که از دیوان حرب تو ماندانی
مرکزی کابل داده میشوند، از طرف تو ماندانی
مرکز تصدیق شده نمیتوانند درجه این
محکومیت هر چه و هر قدر که باشد از بهر تصدیق
بوزارت حربیه تقدیم میشود، و بعد از تصدیق
حکم از جانب قطعه عسکریه که محکوم بآن منسوب
است اجرا پذیر میگردود.

۴۶: — هرگاه در اثنا بے محاربه با دشمن چرمیکه

بآن ارتکاب و تریده شده فوق العاده حایز است
 باشد و قوماندها آن قول اردو و یا فرقه مستقل در صورتیکه
 از یک طرف در حال لزوم ابراز نمودن یک عبرت
 مؤثره بغایت سرعته را احس کند و از طرف
 دیگر وقت و زمان را باستیند آن و اجازت
 طلبیدن از وزارت حربیه مساعد نیند، بهمان
 که مسئولیت مضبوطه حکمها را که در باره جنا
 از دیوان حرب صادر میگردد و در عهد خود
 گرفته بتصدیق و اجرا به آن مأذون است،
 مگر بعد الاجرا کیفیت را بایک نقل مضبوطه لغا
 و ذکر نمودن اسباب موجب که تجاوز صلاحیت
 خود را ایجاب نموده است تفصیلاً به وزارت
 حربیه به اطلاع و اذن مجبور است.

۴۷: — هرگاه حکمها نیکه از دیوان حرب صادر میشوند
 مخالف برآسی و قناعت ذاتی دیده شود که
 مجرم را بدیوان حرب توابع نموده به دست با بیان
 گردانی اسباب موجب آن از طرف بهمان ذی

خواجگه حکم

مضبوط بالنگار بدیوان حرب اعاده میشود، خط اگر
 دیوان حرب بر حکم سابق خود اصرار نماید قوماندهان
 مذکور اگر در دائره اختیار و صلاحیتش
 باشد حکم را تصدیق میکنند و یا آنکه بر اے
 تدقیق یافتن در مجلس عسکری در صورتیکه خود
 آرزو کنند، و یا از درجه صلاحیتش بالاتر باشد
 بتقدیم کردن آن بوزارت حربیه مجبور است.
 ۴۸: — بر اے محاکمه ضابطان و سلاح اندازان
 و پولیس که در داخل ایالت کابل هستند (درواز
 متعلقه اش) بموجب قاعده (۳۱) یک
 دیوان حرب دائمی تشکیل میشود. محاکمه ضابطان
 و سلاح اندازان کو توالی و پولیس که در محکقات
 هستند بشرط بدون لاقط سه نفر ضابطان
 کو توالی و پولیس در میان اعضائی دیوان
 حربی اے دائمی که در مرکز اے فرقه
 و لو اے مستقل بها بنجا میباشند درجا بنجا اجرا شود.
 جمله حربی اے جنجه که از دیوان حرب دائمی

(فرمان عسکری)

وزارت متعلقه اش در باره ضابطان و افراد
صادر میگردد و از طرف وزیر متعلقه اش راساً
بعد از تحقیق اجرا میابد. برای محاکمه آمران
کوئالی و پولیس مرکز در صورت مراجعت
بوزارت حربیه یک دیوان حرب مخصوص
تشکیل مییابد و درین دیوان حرب همه حال
موجودیت سه نفر آمران کوئالی ضروریست
و پیش از آنکه ایشان در تحت محاکمه گرفته شوند
ببایان کردن و در میان آوردن اسباب
موجبه معرفت وزیر متعلقه اش از حضور
همایون شانه اجازت خواسته میشود.
بعد از تحقیق اوراق عکبه غنوبین کوئالی مضبوط مجلس
عسکری بواسطه وزیر متعلقه اش بمنحور ^{علحضرت}
همایونی تقدیم می یابد.

۴۹: — در صورتیکه موافق بنظمنامه مخصوص دولت در
مجلس حکومت عسکری اعلان گردد، محاکمه کسانی که
خواه از رعایا و فطانی باخلال و برهم زدن

اعینت خارجی و داخلی افغانستان تشبث
ورزند با کسانی که بمقررات حکومت عسکری مخالفت
کنند. در یک دیوان حربیه بامر حکومت عسکری
منسوب است و بصورت مخصوص تشکیل گردید
اجرا میشود. و درین دیوان حرب حکومت عسکری
حاکم بر طبق و طرزیکه در قاعده های (۳۷)
(۳۸) و (۳۹) و (۴۰) و (۴۱) بیان
گردید جریان می یابد لکن حکم این دیوان حرب
قطعی بوده هرگز قابل مرافقه و تمیز نیست امر حکومت
عسکری حکمائی را که حبس پانزده سال را
حادی باشد پیغم تصدیق و اجرا میکند و حکمیهاییکه
از ان بالاتر باشد یا حکمیهایی (اعدام)
بوزارت حربیه تقدیم مینماید. و از طرف
وزیر حربیه بحضور اعلی حضرت شهریار می عرض
گردیده بمنظوری طوکاره رسانیده میشود
و در بعضی حالات در خصوص فی الفور اجرا
و منظوری و جنای اعداییکه از دیوان حربیه

- حکومت عسکری صادر گردد، ذات اعلی حضرت پادشاهی
با امر بزرگ ترین حکومت عسکری صلاحیت مخصوصه
اعطا میفرمایند، و در این صورت بعد از اجرا یافتن حکمها
مضبوط دیون حرب از طرف آن حکومت عسکری بابت جریه تقیم میگردد.
۵۰: — هرگاه در حین ارتکاب یک جرم بودن مجرم در حال
یعنی دیدار انگیز تبیین و اثبات گردد از مجازات قانونیه
بکلی معاف دانسته میشود.
۵۱: — هرگاه یک مجرم بنا بر اطاعت به امر و اجبار یک امر
مجبور مرتکب جرمی گردد و خودش از جزا معاف شناخته
میشود و جزا عیناً در حق همان آمر مجبر حکم و اجرا میگردد
۵۲: — هر یک از جمله فاعلین مشترک یک جرم مانند
فاعل منفرد جزا می بیند.

باب دوم

(احکام جزائیہ)

فصل اول

(جنایت وطنیہ و جاسوسی)

۵۳: — ہر گاہ یکفر نظامی افغانستان یا دشمن متفق گردیدہ بر

علیہ افغانستان استعمال سلاح نماید [اعدام]

۵۴: — ہر گاہ یکی از قبیلہ دشمن در اثنای محاربہ از طرف

افغانستان اسیر گردیدہ، و بعد از آنکہ بر بیعت

مابینش از ہر گونہ اقدامات و تشبہات در حق

افغانستان بناموس خود قول دسو کند نمودہ

بملکتش رما دودہ شود، و باز نقض عہد نمودہ

بالتکرار بر علیہ افغانستان در محاربہ شریک

گردد، و بار دیگر دستگیر شود [اعدام]

۵۵: — ہر گاہ یکفر نظامی افغانستان قوت یا ترتیبات

وضع الجیشی قطعہ عسکری کہ بدان منسوب است،

یا پلانها نیکی از قلعه های افتانی، و یا آنکه محل
مقدار اسلحه و جباخانه، و از زاتی که برای اداره
عسکر جمع و اذخار گردیده، و یا خود نام شب
و یا دیگر اسرار عسکر را بر راه راست و یا بواسطه
بدشمن معلوم و اشعار نماید [اقدام]

۵۶: — هرگاه یک نفر نظامی افتانی برای تزویج مقاصد

و دشمن با او مخبره نماید [اقدام]

۵۷: — هرگاه بعضی از افراد نظامی یک قلعه افتانی در

صورتی که از طرف دشمن بمحاصره و دچار گردیده
باشد، در میان خود متفقاً بچنان مذاکرات
تسبیح و زند که قوا، اندان قلعه را به تسلیم شدن
بدشمن اجبار و تکلیف نمایند [اقدام]

۵۸: — هرگاه یکی از بقعه، قناتستان و یا از بقعه اجنبی

بغرض استحصال معلومات برای دشمن یک قلعه
و یا قشله و یا خود در یک اداره خانه عسکر
و یا یک فابریکه و یا در اردوگاه و یا منراجا باشد
کمشاوه و خیمه و اردو و یا افتانی داخل شود [اقدام]

(افزای عسکر)

۵۹: — عسکر افغانی را در مقابل دشمن و یا استقامت بفراتر توتی

دادن و یا از جمع آوری منع کردن [اعدام]

۶۰: — از چنان وسایط و تدابیریکه به اجرای حرکات عسکری

اردو مانع شده تواند و یا امنیت یک قطعه و یا قراولجا

و یا دیگر ابنیه را در تهلکه و خطر اندازد و دشمن را خبر

گروا سندن [اعدام]

۶۱: — موقعی را که برآید اردو و کینگاه اتحاد گردیده

باشد بدشمن نشان دادن [اعدام]

۶۲: — جاسوس های دشمن و عسکر های دشمن را که بغرض کشف

آمده باشند دیده و دانسته پنهان کردن و یا

نگاه داشتن [اعدام]

۶۳: — عسکر افغانستان را بطرف دشمن بفراتر توتی

نمودن و یا کسانیکه میخواهند بطرف دشمن فرار

کنند و در راه زارستان تسهیلات بپرسانند

و یا بمنفعت دشمن عسکر جمع کردن [اعدام]

* *

*

در این عسکر

فصل دوم

(مخالفت بعینه ایضاً عسکری)

۶۴: — هرگاه يك قلعه اقماني از طرف دشمن ورزير محاصره گرفته شده باشد و منصبدار محافظ آن پيش از استعلا نمودن كافه وسايط مدافعه كه در دست دارد و بلا اكمال همه ايجابات فريضة قومت و ناموس خود برخلاف دشمن با او صلح نموده قلعه را تسليم نمايد [اعدام]

۶۵: — هرگاه يك قوماندانيكه با داره يك قسم اردوي افغانستان در محاربه صحرا يا مور و معين باشد با وجوديكه ايجابات فريضة ناموس خود را كاملاً بجا آورد وليكن در شرائط مصالحه كه با دشمن عقد ميكند موجب تسليم سلاح عسكريت خویش دشمن گردد [اعدام]

۶۶: — هرگاه شرائط مصالحه قوماندانيكه در قاعده فوق بيان شد موجب تسليم سلاح اردو نگرویده تنها بعقب

(جزای عسکری)

۴۲

کشیدن اردو متج گردد [طرد از سلاک عسکری]

۶۷: — هرگاه کدام نفر نظامی که پهره جاسی خود را ترک کند :-

اول :- اگر در مقابل دشمن و یا با غیان مسلح باشد

[اعدام]

دوم :- اگر در حال حضر باشد در باره منصبداران

[از پانزده روز تا چهل روز حبس]

در باره سلاح اندازان [از (۱۵) چوب

ال (۴۰) چوب ضرب]

۶۸: — هر نفر نظامی که در اثنای پهره بخواب رود :-

اول :- در مقابل دشمن و اشتیای مسلح

[از یک سال تا دو سال حبس]

دوم :- در وقت حضر [از پانزده روز تا چهل روز حبس]

۶۹: — هر نفر نظامی که موقع خدمت مأموره خود را ترک کند :-

اول :- در مقابل دشمن و اشتیای مسلح [اعدام]

دوم :- در وقت حضر در باره منصبداران

[از شش ماه تا یک سال حبس]

در حق سلاح اندازان [از سه ماه تا شش ماه حبس]

(جزای عسکری)

۴۳

۷۰: — بر نفر نظامی که در وقت نواختن طرم جمج و یا شبنج

بجمل اجتماع نیاید

در باره منصبداران [طرد از سلک عسکری]

در حق سلاح اندازان [از میت الی هشتاد و چوب

جزا بے ضرب]

۷۱: — بر نفر نظامی که بعضویت دیوان حرب با امور

بوده بلا عذر معقول آنرا قبول نکند :-

در حق منصبداران [از یکماه تا سه ماه حبس]

در حق خورده ضابطان [از پانزده روز تا چهل

پنج روز حبس ریاضت]

۷۲: — هرگاه منصبداریکه بعضویت دیوان حرب

معین بوده با وجود دیدن جزا بے فوق بم بائیت

خود دوام نورزد

[طرد از سلک عسکری]

فصل سوم

(نقدم اطاعت و عصیان و مقاومت)

۷۳: — هرگاه لاقول چار نفر نظامی و در حالیکه اسلحه شان

بدست بوده عصیان کنند و به امر نخستین که از طرف

ما فوق شان داده شده باشد اقبال و رزند [اعدام]

اگر عصیان کنندگان اسلحه خود را برداشته بر خلاف

امر منصبداران خود حرکت نکنند [اعدام]

اگر عصیان کنندگان سلاح اقل است نفر کم یا بود

بغرض نشیندن صدای ما فوق خود شامه و غوغا

کنند و بعضیان دوام و رزند [اعدام]

با وجود آن این جزای اعدام در باره شوقین

و محرکین عصیان و جمیع منصبدارانیکه در عصیان

شامل باشند نیز حکم میشود

و در باره سلاح اندازان [از شش تا یک سال حبس]

۷۴: — کسانی که از رفتن در مقابل دشمن و یا خود از رفتن

بیک خدمتیکه از طرف ما فوشت با و ام رنده باشد

۴۵

با وجود اصرار امتناع ورزند :-

اول :- در مقابل دشمن یا اشقیای مسلح [اعدام]

دوم :- در حال حضر در باره منصبه اران [از

سلک عسکری طرد و از یکماه تا سه ماه حبس]

و در باره سلاح اندازان [از پانزده چوب

تا شصت چوب ضرب و از چهل و پنجر و ز

تا سه ماه جزای حبس]

۷۵ :- در مقابل پیره دار آمدن و به امر (دریث) پیردار

اطاعت ننمودن :-

اول :- در مقابل دشمن با سلاح مقابل گردن

[اعدام]

دوم :- در حال حضر بی سلاح در مقابل پیردار آمدن

در باره منصبه اران [از سلک عسکری

طرد و از سه ماه تا یکسال حبس]

و برای سلاح اندازان [از سه تا یکسال حبس]

۷۶ :- بسخن و یا اشاره دست و سایر اعضا و یا

به الفاظ تهدید و تخویف پیره دار را تحقیر نمودن

درباره منصبداران [از بیت و چهار ساعت تا سه ما
جس !

و برای سلاح اندازان [از پانزده چوب
الی چهل چوب جزای ضرب !

۷۷ — اگر یک سپاهی برخلاف اصولیکه در نظامنامه

خدمات داخلی تصویب شده بیک منصبدار کلان خود

بی رعایت سلسله مراتب براه راست عرض

و شکایت کند [پانزده چوب ضرب]

هرگاه یک منصبدار به اینصورت عرض

و شکایت نماید [یک هفته جس !

هرگاه یک چند نفر سپاهی مجتمعاً یکجا شده

بلا رعایت سلسله مراتب براه راست بیک

منصبدار کلان عرض و شکایت نمایند شوقین شان

[پانزده چوب ضرب و سی روز جس ریاضت]

و باقی نفری شان هر که ام [پانزده چوب ضرب

و یک هفته جس ریاضت]

فصل چهارم

(مافوق را ضرب و تحقیر نمودن)

۷۸: — در اثنا می خدمات عسکریه مافوق خود را ضرب نمودن :-

اول :- هرگاه انجمن یک معامله ضرب در تحت سلاح
یعنی در اثنا می تعلیم و مانوره و یاد و حال حرب
داخل یک قطعه مسلحه عسکریه بوقوع آید [اعدام]
دوم :- هرگاه در تحت سلاح نبوده بعمل آید [از یکسال
تا سه سال حبس]

۷۹: — هرگاه در خارج خدمات عسکریه از سبب خدمات
عسکریه معامله ضرب مافوق بوقوع آید [از یکسال
تا سه سال حبس]

۸۰: — هرگاه در خارج خدمات عسکریه و بدون خدمات
عسکریه از کدام سبب دیگر ضرب مافوق بوقوع
پذیر گردد [در باره منصبداران علاوه بر طرد از
سلاح عسکریه از سه ماه تا یکسال حبس]
و برای سلاح اندازان [از چیل چوب تا بشتاد

(جزای عسکران)

۴۱

چوب ضرب و از شش ماه تا یک سال حبس
۸۱: — در اثبات خدمات عسکریه برافوق خود تشهیر سلاح

نمودن یعنی سلاح کشیدن
در باره منصبداران [از سه سال تا ده سال حبس]
و برای سلاح اندازان [از دو سال تا پنج سال حبس]
۸۲: — خارج خدمات عسکریه از هر سببی که باشد برافوق
خود تشهیر سلاح نمودن

در باره منصبداران [علاوه بر طرد از سلک
عسکری از سه ماه تا یک سال حبس]
و برای سلاح اندازان [از بیست چوب الی
چهل چوب ضرب و از سه ماه تا یک سال حبس]
۸۳: — در اثبات خدمات عسکریه و یا خارج آن
بر ماتحت خود تشهیر سلاح نمودن [از یک ماه تا سه
سال حبس]

۸۴: — در اثبات خدمات عسکریه و خارج آن بر
همرتبه خود سلاح کشیده و او را ضرب نمودن
در باره منصبداران [از دو ماه تا یک سال حبس]

(خارج از عسکریه)

برای سلاح اندازان [از یکماه تا چهار ماه حبس]
 اگر در آشنای ضرب جرح بوقوع آید حکم آن بقرار تمسک
 القضاة الامانیة اجرا میشود .

۸۵: — در آشنای خدمات عسکریه مافوق خود را بسخن و یا اشاره دست
 و یا دیگر اعضا و یا بکلامی که بطرز تخویف باشد سب و دشنام نمود
 در باره منصبداران [علاوه بر طرد از سلسله عسکریه از سه تا یکسال حبس]
 و برای سلاح اندازان [از بیست و پنج الی شصت چوب
 ضرب و از سه ماه تا یکسال حبس]

۸۶: — اگر جرم سب و دشنام که در قاعده فوق بیان گردید
 خارج خدمات عسکریه و بی سبب خدمات عسکریه
 بعمل آید :-

در باره منصبداران [از سه ماه تا یکسال حبس]
 و برای سلاح اندازان [از یکماه تا سه ماه حبس]

(جرای عسکریه)

فصل پنجم

(نفوذ اموریت را استعمال بجا نمودن)

۸۷: — هرگاه یک فرماندهان عسکر بر بالا بقیه و یا عسکر

یک دولت متفق و یا بیطرف بلا سبب و بلا امر
و بلا مأذونیت مسلماً هجوم برد [اعدام]

۸۸: — همچنان اگر بر ارضی وحد و یک دولت بیطرف

و یا متفق بلا سبب و بلا امر و بلا مأذونیت یک قلم
او ضلع و حرکات خصمانه را اجرا کند [طرد از ملک عسکر]

۸۹: — هرگاه یک فرماندهان عسکری بعد از گرفتن خبری

متارکه و مصاحبه بم بلا سبب بحرکات خصمانه دوام
ورزد [اعدام]

۹۰: — بلا امر و بلا سبب شروع فرمانده یک قطعه عسکر را

در عهد گرفتن و یا ترک نکردن یک فرمانده که از
طرف مافوق امر به ترک آن صادر گردیده باشد

[اعدام]

(جزایب عسکری)

۹۱: — هرگاه و یک منصب را مافوق در حق ما تحت
خود بلا سبب متحول مضر بدهد و یا آن امر ضرباً
بالذات بدست خود اجرا نماید [از دو ماه تا یکسال
حبس]

و هرگاه ضرب مادی و غیر مادی مدافعه مشروع
عن النفس و یا مدافعه مشروع عن الغير و یا
سد و جلوگیری قرار و یا تسکین تاراج و بیجا
بعلل آید، مافوق از جزا قطعاً معاف است.

* *

*

فصل ششم

(گریختن)

۹۲: — فرار عبارت است از جدا شدن بلا اذن اجازت

یک نفر نظامی از موقع خدمت عسکری خود و یا از بهمان
قطعه عسکر که به آن منسوب است .

۹۳: — هرگاه یک نفر نظامی در اثنای محاربه تنها بطرف

دشمن فرار کند [اعدام]

۹۴: — اگر یک چند نفر نظامی یکجا شده در اثنای محاربه

بطرف دشمن متفقاً فرار نمایند همه شان [اعدام]

۹۵: — هرگاه یک نفر نظامی در اثنای محاربه از مقابل

دشمن بداخل قناتان فرار کند [از ده سال

تا پانزده سال حبس]

۹۶: — اگر یک چند نفر نظامی در اثنای محاربه از مقابل

دشمن بداخل قناتان متفقاً فرار کنند همه شان

[اعدام]

۹۷: — اگر کینفر نظامی افغانستان در وقت صلح بلا اجازت

از افغانستان بیک مملکت اجنبی برود:—

در باره منصبداران [از سلب عسکری طرد و از یکماه

تا ششماه حبس]

و برای سلاح اندازان [از چهل چوب الی هشتاد

چوب ضرب و از یکماه تا سه ماه حبس]

۹۸: — هرگاه یک سلاح انداز قطعه منسوبه خود را بلا اذن

ترک نموده و فردا سیه همان روز نادماً خود نکند

[از بیست چوب الی چهل چوب ضرب]

۹۹: — هرگاه یکچند نفر سلاح انداز نظامی قطعه منسوبه شانرا

بلا اذن متفقاً ترک نموده فردا سی همان روز نادماً

عودت نمایند سرغنشان [از چهل چوب الی

شصت چوب ضرب]

و باقی شان [از بیست چوب الی چهل چوب ضرب]

اگر در میان شان منصبدار باشد [از یک هفته تا یکماه

حبس]

اگر اضافه از یک هفته واپس نیاید [از دو ماه

تاسه ماه حبس [

اگر اینچنین مندر متفقانه در وقت حصار افتاد است

بیک ملک خارج بوقوع آید سرکردگان مشوقین

شان [اعدام]

بقیه شان [بهشتاد چوب ضرب و از یکسال

تاسه سال حبس]

و اگر در بین شان منصبدار باشد [از ده سال

الی پانزده سال حبس]

۱۰۰: — هرگاه یک منصبدار بلا رخصت زیاده از شش روز

بقطعه که به آن منسوب و یا خدمتیکه بران مأمور است

نیاید و یا آنکه از مدت رخصتش پانزده روز بگذرد

[از یکماه تا ششماه حبس]

اگر این حال در اثنا بے سفر بری بوقوع آید

[از سلاک عسکری طرد و از ششماه تا یکسال حبس]

* *

*

فصل هفتم

اشیای عسکریه را فروختن و پنهان کردن
و کرو نمودن و خریدن و گرو گرفتن چیزها
فروخته شده و دزدیده شده را
دالسته اطلاع داد

۱۰۱: — اگر کسی نظامی اسب و یا از اسلحه و جبهه خانه و یا یکی
از تجهیزات عسکریه سرکاری از قبیل کمر بند و قانچونه
پشت و خیمه و غیره را بفروشد [اشیای فروخته
شده از کسیکه خریده است و پس گرفته میشود
اگر استرداد آن ممکن نباشد قیمتش از او
بقیمت او ان گرفته میشود و همان نفر نظامی که اشیا را
فروخته است [از شش ماه تا یک سال حبس]

۱۰۲: — کسیکه دالسته اشیا عسکریه سرکاری را بخرد
و کسیکه فروخته شدن اشیا عسکریه سرکاری را
دیده پنهان کند هر کسیکه باشد [از دو ماه
تا یک سال حبس]

(جواب عسکر)

۱۰۳: — از قسم البسه و کالاهوت و از همین قبیل اشیای
عسکریه سرکار را فروختن [از پانزده چوب
الی چهل چوب ضرب]

۱۰۴: — کسیکه داشته اینگونه چیز را بخرد و یا فروخته
شدن آنرا داشته پنهان کند :-

در باره سلاح اندازان [از پانزده چوب الی
چهل چوب ضرب]

و در باره منصبداران و یابکی از رعایا [از پانزده
روز تا چهل و پنجر و حبس]

۱۰۵: — جبه خانه و اسلحه و البسه و سایر اشیائی
که برای خدمت عسکریه داده شده باشد
بیک طرفی پنهان کردن :-

در باره منصبداران [از چهار ماه تا یک سال حبس]
برای سلاح اندازان [از پانزده چوب الی
چهل چوب ضرب و از یک ماه تا سه ماه حبس]

۱۰۶: — از البسه و اشیای سائره که از طرف دولت
برای خدمت عسکریه داده شده باشند و نمودن :-

در باره منصبداران [از یکماه تا چهل و پنج روز حبس]
و برای سلاح اندازان [از پانزده چوب تا چهل چوب ضرب]
اگر اسلحه را گرو نمایند برای منصبداران [از سه ماه
تا شش ماه حبس]

برای سلاح اندازان [از چهل چوب تا شصت
چوب ضرب]

۱۰۷: — کسانیکه اینگونه اشیا را گرو بگیرند :-

در باره سلاح اندازان [از پانزده چوب الی
چهل چوب ضرب]
و برای رعایا و منصبداران [از دوازده
الی یکماه حبس]

(برای رعایا)

فصل هشتم

(سرقت اشیاء و اموال عسکریت)

۱۰۸: — هرگاه یک تحویلدار و یا یک نفر نظامی که به اداره محاطه
پول و ذخیره مخصوص اداره عسکریت و محاسبه
برفوع اسباب و نقود نظری نظامی مأمور بوده از
میان آن یک مقدار را بدزد [بعد از تاوان آن از
سه سال تا ده سال حبس]

هرگاه قیمت آن زیاده تر از پنجاه روپیه باشد
و یا مال مسروقه عبارت از اسلحه و جباخانه باشد
[اعدام]

۱۰۹: — اگر دزد مأمور اداره و محاسبه اشیاء و نقود یکبار
قاعده فوق ذکر شده نه باشد [بعد از تاوان آن
از یک سال تا سه سال حبس]

اموال و اشیاء عسکریت تحویلی خود را برای
منافع شخصی خود تجارت و استعمال نمودن [از
سه سال تا چهار سال حبس]

۱۱۰: — در خانه یکی از رعایا مهان گردیده یکی از اسبابها

خانه صاحب خانه را خفیہ گرفتن :-

در باره منصبداران [از سلب عسکری طرد

و از یکسال تا سه سال حبس]

برای سلب اندازان [از میت چوب الی

شصت چوب ضرب و از سه ماه تا یکسال حبس]

۱۱۱: — در هر جا و هر موقع که باشد هرگاه یک منصبدار

یکی از اسباب و یا نقود دیگر رقتا بے خود

و یا از سلب اندازان را بدزد [بعد از تاوان

از سلب عسکری طرد میشود و برای جزای دزدی

بحکم عدلیہ سپردہ میشود]

۱۱۲: — بچنان سلب اندازانیکه اشیاء نقود منصبداران را

بدزد [بعد از ادای تاوان از سه ماه الی

شش ماه حبس و برای جزای دزدی بظلمت

جزای عمومی محکوم میشود]

اگر اشیای دزدیده شده از نوع اشیای

خسیه باشد [شدیداً توبیخ و تکریر]

۱۱۳: — سلاح اندازانیکه پول و دیگر اشیای ز قفای خود

بدزدند [بعد از تاوان از پنجاه تا شصت چوب مضر]

۱۱۴: — غیر از صورتها نیکه در قاعده های فوق بیان شد

منسوبین نظامی که مرتکب جرایم سرقت عادی

گردیده باشند بموجب نظامنامه جزا

عمومی مجازات میشوند .

*

*

*

فصل نهم

(تاخت و تاراج)

۱۱۵: — بصورت مسلح و یا غیر مسلح مجتمعاً و علناً دیوارها
و دروازه‌ها را شکستاده و مردم را زیر چیر و تشدد
گرفته گدام و ارزاق و امتعه و اشیاء را یغما

و تاراج نمودن [اعدام]

۱۱۶: — اگر در میان یغماگران یک و یا چند نفر مشوق و یا
منصبدار باشند [تنها مشوق و منصبدار] [اعدام]
باقی [از یک سال تا ده سال حبس]

۱۱۷: — بنای عسکریه و استحکامات و قایمیه‌های
عسکریه را قصد آتش زدن و یا به نقب

پراندن [اعدام]

۱۱۸: — اگر فعل تخریب بصورت آتش زدن نقب پراندن
بوقوع نیاید و بر استعمال بعضی آلات مخصوصه دیگر

واقع شود [اعدام]

۱۱۹: — اسباب مدافعه و مهات حربیه و گدام و جباخا

و مخزنهای هرگز نه لوازمات عسکریه دولت را تخریب نمودن

اول :- در مقابل دشمن و دشمنی جنگ [اعدام]

دوم :- در وقت حضر [از یکسال تا سه سال حبس]

۱۲۰ :- اسلحه و تجهیزات و لوازم عسکریه سرکاری که برای

خدمات عسکریه برای خودش و سایر نفری

نظامی داده شده باشد قصد تخریب نمودن

و یا خود حیوانات سواری و بار بردار برای که

در خدمات عسکریه از آنها کار گرفته میشود قصد

سقط و تلف کردن :-

در باره منصبداران [بعد از تاوان از سلب

عسکری طرد و از ششماه تا یکسال حبس]

و برای سلاح اندازان [بعد از تاوان

از سه ماه تا ششماه حبس]

۱۲۱ :- سودا و یا کتایباییکه بهت نظامی متعلق باشند

و یا مضبوطه بایکجه احکام دیوان حربی را دارا باشند

با متعلقات آن قصد آخواب کردن و یا سوختاندن

و یا مخون نمودن [از یکسال تا پنجسال حبس]

فصل دهم

(ساخته کاری نمودن در اداره عسکریه)

۱۲۲: — در وقت نامه بر آوردن خواه زیاده از موجود عدد عسکر
و حیوان و در وقت نامه خرج زیاده از صرفیات
واقعه اخراجات را نشان دادن [از سال
تا ده سال حبس]

۱۲۳: — مهر و سفدات و اوراق و دفاتر یک مجدمات
عسکریه متعلق باشند تقلید کردن [از سال
تا پنج سال حبس]

۱۲۴: — مهر رسمی که پیشش بیاید برای اینکه موجب
ضرر دولت و با عسکریت او گردد، به پنهانی
استعمال کردن [از پنج سال تا ده سال حبس]
اگر اندازۀ ضرر زیاده از پنجاه هزار روپیه
باشد [اعدام]

(بخش عسکر)

فصل یازدهم

(بی استقامتی و ارتکاب)

۱۲۵: — از منوبین نظامی بر اے راشی و مرتشی بر طبق
نظامنامه جزا اے عمومی جزا تخدیه میشود. مگر
منصبدار مرتشی یعنی رشوت خور بیهمه حال از سلاک
عکری طرفه میگردد.

۱۲۶: — هرگاه یک طبیب نظامی بدروغ بیمار اے موجود
یخفر عکری را که بمعاینه اش معین گردیده پنهان
و یا یک بیماری ناموجودی را به او اسناد
نماید [از ششماه تا یکسال حبس]

اگر بنا بر رشوت مرتکب این جرم گردیده باشد
[علاوۀ آنکه در حق مرتشی است نیز محکوم میگردد]

۱۲۷: — جیره مقرر اے را که بر اے عسکر مخصوص است
نقصان و تبدیل نمودن و یا به تبدیل ان مساعد
دادن و دانسته جیره تبدیل و نقصان یافته را
بعکرتوزیع کردن یا توزیع کنایند.

(جزا اے عکری)

۲۵

در باره منصبداران علاوه بر طرد از سلک عسکری

[از سه ماه تا یکسال حبس] .

برای سلاح اندازان [از شش ماه تا دو سال

حبس] .

۱۲۸ — دانسته گوشت حیواناتی را که به امراض علتیهای

ساریه مبتلا میباشند، بغرض سوء قصد بعسکر

تقسیم کردن و یا تقسیم کنانیدن و دانسته ذخیره

و ارزانی گنده و بوسیده و بدبور بعسکر دادن :-

برای منصبداران [علاوه بر طرد از سلک

عسکری از سه ماه تا یکسال حبس] .

برای سلاح اندازان [از شش ماه

تا دو سال حبس] .

* *

*

(جزا عسکری)

فصل دوازدهم

فعل شنیع و عشرت و دیگر حرکات
نازیبا به محل شان ناموس عسکری

۱۲۹: — هرگاه فاعل و مفعول هر دو از منسوبین نظامی بوده باشد

و موافقت جانبدارین فعل شنیع میدان بیاید [اعدام]

۱۳۰: — جبر اجرا کردن فعل شنیع بایکی از سلاح اندازان

جابر [اعدام]

و مجبور اگر از منصبداران باشد [معاف از خدمت عسکری]

۱۳۱: — بایکی از سلاح اندازان در تشبث اجرای جبری فعل

شنیع بوده از ناکامی و حلول بعضی اسباب مانع

غیر اختیاری بمقصد خود نائل نگردیدن :-

برای منصبداران [از سلاح عسکری طرد

و از یکسال تا سه سال حبس]

و برای سلاح اندازان [از یکسال تا سه سال حبس]

۱۳۲: — از تفریهای نظامی کسانی که شراب بخورند و یا قمار

بازی کنند و یا مانند چرس و بنگ و افیون و

اجرای عسکری

مجنون و اشیای نشتہ آور ہو شند و بکشد و یا
بخورند عموماً از سلک عسکری طرد و بعداً بموجب
نظامنامه جزائے عمومی جزا خواہند دید و سلاح اندازان
مطروکہ بد اون یک عوض مجبور ہستند .

۱۳۳: تقریباً نظامیکہ بازنگر بازی کنند [بموجب

نظامنامہ جزائی عمومی جزائے خود را می بینند]

۱۳۴: کسانی کہ در ایفائے وظیفہ خودشان غفلت و اہمال

ورزند و در اجرائے ہرگونہ اوامر یکہ از طرف آمر

شان دادہ میشود مسارعت نمایند و منصبدارانیکہ

بخلاف حیثیت رتبہ خود سینہ و گریبان شان

کشادہ و باقیافت غیر منظم بودہ بحضور سلاح اندازان

برایند و یا بچنان اوضاع لاابالیانہ گرفتار باشند

کہ شایان سپاہی گری و منصبداری نباشد

و یا منصبدارانیکہ بر ماتحتانے خود انفاذ اوامر

نمودہ نتوانند از طرف منصبداران مافوق خود

در دائرہ صلاحیت شان [از بعیت و چار ساعیت

الی چل و پنجر و زنجیرائے نظربندی و یا حبس یا ضبط

مجازات میشوند [
 فقط کسانی که با وجود دوچار شدن مکرر باینگونه مجازات
 خفیفه بهم اصلاح حال ننموده در صورتیکه بدیوان حرب
 سپرده شوند از طرف دیوان حرب در باره شان
 جزای [طرد از سلک عسکری] صادر میشود .
 هرگاه در جله غورد ضابطان و یا وکلی مشه این چنین
 اینچنین اشخاص باشند بالاستیذان از طرف
 وزیر حربیه جزای وضع رتبه در باره شان
 امر کرده میشود .



فصل سیزدهم

قواعد جزائیه که متعلق به طب و جراحان

و عطاران است

۱۳۵: — طبیبان و جراحان و عطارانیکه بنا بر سوء قصد به بیمار

و دوائی مخالف داده موجب وفات مریض

گردند [اعدام]

۱۳۶: — اینچنین یک دوائی مخالفیکه بنا بر سوء قصد داده

شده باشد، هر چند که موجب موت و هلاک

مریض نگردیده باعث شدت بیماری و مرض شود: —

طبیب و یا جراح و یا عطار [علاوه بر طرد از مسلک

عسکری برای اینکه آینده در پیچ جا اجراست

صنعت کرده نتوانند شهادتنامه شان ضبط میشود

و از سه سال الی پنج سال حبس]

۱۳۷: — طبیبان و یا جراحان و عطارانیکه سهواً بر مریض

دوائی مخالف داده و یا بهر حال در فریضه

مأموریت خود غفلت و ایهال نموده این سهواً

واهمال شان موجب موت مریض گردد [علاوه بر طرد
از سلك عسکری برائے اینکه آیندہ در پیچ جا اجرا
صنعت کرده تواند شهادت نامه شان ضبط میشود
و دو ہزار روپیہ جزائے تقدی]

۱۳۸: — اگر ازین سہو و اہمال مریض وفات نیافتہ بلکہ
موجب شدت بیماریش گردد [از یکماہ تا یکسال
جس]

۱۳۹: — بہ اجرائے احکام این نظام نامہ وزیر جس
وزیر عدلیہ مامورند .

* *

*

ضمیمه نظامنامه جزای عسکری

۱: — سلاح اندازان و مستخدمین دوائر عسکریه با تشنا
منصبداران که در قاعده (۱۹۹) تشکیلات اساسی
ذکر شده که از سوار اعمال خود بنیر محاکمه گرفته میشوند
تا وقتی که محاکمه شان دوام میورزد و از تنخواه شان
بقدر یک جبه دستگیر می شان نمیکند تنها فی روز دو پانچ
نان پخته یا ماه پنجر و پیه نان خوره برای شان از طرف
دولت داده میشود در صورتیکه بالمحاکمه برأت
شان ظاهر و ثابت شود بعد از وضع نان خوره
ذکور تنخواه شان کاملاً داده میشود .

۲: — منصبداران و سلاح اندازان و سایر
مستخدمین دوائر عسکریه از دائرۀ مافوق شان
و یا بالمحاکمه از حضور یک دیوان حرب بمیعاد معینه
(۲۴) ساعت الی یکسال محکوم جزا میشوند بحسب
و یا ریاضت در خود بلین مجبور و محکوم شمرده شوند
فقط بجزایم شان مطابق ذیل تعمیل میشود :-

جزای عسکری

الف: کسانی که در جرم قباحت بجهس ریاضت محکوم
 میشوند مطابق ماده (۱۱) جزای عسکری
 تنها دو پادمان شک و بقدر ضرورت
 آب داده میشود و تقوا را اینچنین که انصاف
 داده میشود.

ب: کسانی که بجرم قباحت بجهس عادی محکوم میشوند
 چون قانوناً ماکولات و مشروبات شان
 محدود نیست از آن رو خودشان بابت تقوا
 ماکولات و مشروبات لازم مجاز بوده تقوا
 اینچنین اشخاص دو ثلث داده میشود.
 ج: - نظر بجهس یعنی مجازات تا دمی که بالحا
 از حضور یک دیوان حرب بجهس عادی
 از (۴۵) روز الی یک سال با غل لاین
 مجبوس میشوند و اینچنین جس تنها دو پاد
 نان پخته یا پنجه و پیه نان خورده از طرف
 دولت داده میشود و از تقوا به کلی محروم
 شمرده میشوند.

(جزای عسکری)

۳: — نظر بحکم ماده (۳۹) جزای عسکری هرگاه مظنون
عسکریه بتوقیف عادی یا انفرادی مجبور گردد و اهل
زمانیکه از محکمه حکم قطعی صادر شود تنها دو پا و نان بخت
داد می شود .

۴: — اسلحه و غیره لوازمات عسکریه که اصلاً سارقان
معلوم نشود و اطمینان مفقودی آن حاصل گردد
در صورتیکه بدلائل واضحی قناعت مطلقه حاصل گردد
که خود او اموال تحویلی خود را بجا نکرده و بکسی نفروخته
و سارق آن نیز مطلقاً معلوم نشود بستر
ذیل تمیل می شود :-

در حالت حضر :-

الف :- نسبت بمصادرۀ آلات ناریه .
اول :- تاوان تفنگ جا نمودار فی میل
یک هزار روپیه - و از تفنگ آتش نشان
فی میل پنصد روپیه - و از تفنگ

(جزای عسکری)

بفل پرونا و فی انگریزی پنچصد روپیہ
و نا و فی کابلی سے صد روپیہ و تفنگچہ غیر

موزر سے صد روپیہ

دوم:- مصادروہ کارطوس تفنگ ہر قم
فی دانہ دور روپیہ و از تفنگچہ فی دانہ یک روپیہ

ب:- نسبت بمصادروہ آلات جارحہ

مصادروہ کیچ و حربہ وسیلا و علی العموم
فی قبضہ ہشتاد روپیہ - برچہ میت و پنج روپیہ

ج:- نسبت بمصادروہ تجهیزات و سازلو از ہم
عسکر یہ نظر بقیمت موجودہ ہرشی برد و صفا
گرفتہ میشود

کسانیکہ ستند تا ویہ چنین مصادروہ اتیکہ در
بالا ذکر یافتہ دیدہ نشوند پس از اتخاذاست
معتبرہ کہ بنا و اریش قناعت حاصل کرد
بعوض ہر یک صد روپیہ جزا ہے سے ماہ جس
سے بند

در حالت سفربری

علی العموم جزای نقتدی اینچنین مصداق است که در حالت
حضرت تفصیل داده شده بحسب تحویل میشود .

۵: — منصبدارانی که سلاح اندازان و سایر وظایف
ما تحت خود را با استثنای اردو لیان خودشان بخدا
شخصه خود یک شخص و یا چندی از عسکری را مکلف
نموده اجراء کار میدارند و روزی که نخواه همان
نقصری بطور جزا از نزد همان منصبدار گرفته میشود .

۶: — سلاح اندازانی که قطعه منسوبه خود را ترک مینمایند
چند روز غیر حاضر میشوند و در مقابل هر روز یک
ضرب چوب و بمقابل هر سه روز یکروز حبس میشوند
علاوه بر آن ایام غیر حاضری شان بر اصل
میعاد خدمت اینچنین اشخاص از دپاد میشود .

۷: — سلاح اندازانی که بطور رخصتی بخانه خودشان
میروند و از موعد رخصتی خود تا زیاد میکند رانند
در صورت عذر معقول از جزا معاف و از نخواه

همان روز نامحروم و علاوه بر آن مدت غیر حاضر
 شان بر اصل میعاد خدمت شان افزوده میگردد
 و اگر عذر معقول در میان دیده نشود بوقت از ریکه
 در ماده (۷۶) این ضمیمه جزای عسکری
 نشان داده شده است جزا می بینند .

۸: — سلاح اندازانیکه در حین تعلیم و نوکری با سلاح غیر
 حاضر میشوند در مقابل هر یک روز دو ضرب چوب
 و در روز حبس جزا داده میشود و اگر با تجهیزات
 عسکرانه غیر حاضر شوند در مقابل هر دو روز یک روز
 حبس و سه ضرب چوب مجازات داده میشود .

۹: — مجازات قاعده (۶) و (۷) و (۸) فوق الذکر
 که در باره غیر حاضران عسکرانه وضع گردیده
 تا اندازه که بر وفق ماده (۲۷) نظامنامه جزا
 عسکری بدائر اختیار است بمنصبداران عسکری
 است از طرف آنها اجرا میشود علاوه بر آن جزای
 جزای ضرب یا حبس اضافه از اندازه اختیار
 شان باشد بالمحا که اجرا میشود .

۹۰ - جزای ضرب که در قواعد فوق تصریح یافته اگر تعداد
ضرب علاوه از (۸۰) ضرب لازم شود ملحوظ
حکم ماده (۱۶۲) نظامنامه جزای عسکر
کرده میشود تا (۸۰) ضرب چوب در محل
اجرای علاوه آن هر قدر باشد بحبس تحویل
گردیده در مقابل هر یک چوب چهار روز در
اصل میعاد خدمتش افزوده میگردد .

* *

*

جرمها فی بل جرم نیست از نوع قبا^{حیت}

که از نسوین عسکر صیاد گرد و دو و دقا^{بل}

آن نظر با و ده (۲۷) جزا نامه مکتوب

به منصب بدائرة حیت و نظربوع

قباحت تحدید جزا نمود مجازات

تکذیریه و او ده ملتوانند

تفصیلات فعلیکه از منصبان صادر میشود و نوع قباحت دانسته شد

۱: — اگر منصب را با نفری ماتحت خود خلاف وضع عسکری
رفتار کنند مثلاً او ضاع که قانوناً شایان عسکری
نباشد بعل بیاورند .

۲: — اگر با فوق مادی خود را با استثنای الفاظ قد

که جزای معین دارد بجهای حارت آمیز مطب
کند

۳: — هرگاه مافوق بحضور ما تمان خود بخن و از بصورت

لا ابا لیا نه بیاید

۴: — هنگامیکه منصبدار مافوق بیاید رسم تعظیم را اجرا
نکند (باستثنای دقیقه قطعات تعلیم و یا با نور
مصرف باشند)

۵: — تعلیمات علمی و نظری قطعاً او در وقت امتحان ناقص
و موافق پروگرام نباشد

۶: — در حین حضور وقت نواختن جمع و نوکر به خود
حاضر نباشد

۷: — بنظا مناسه صفائی لپس پروا خست نکند

۸: — در ضبط و ربط قطعاً منوبه او عطا نشود

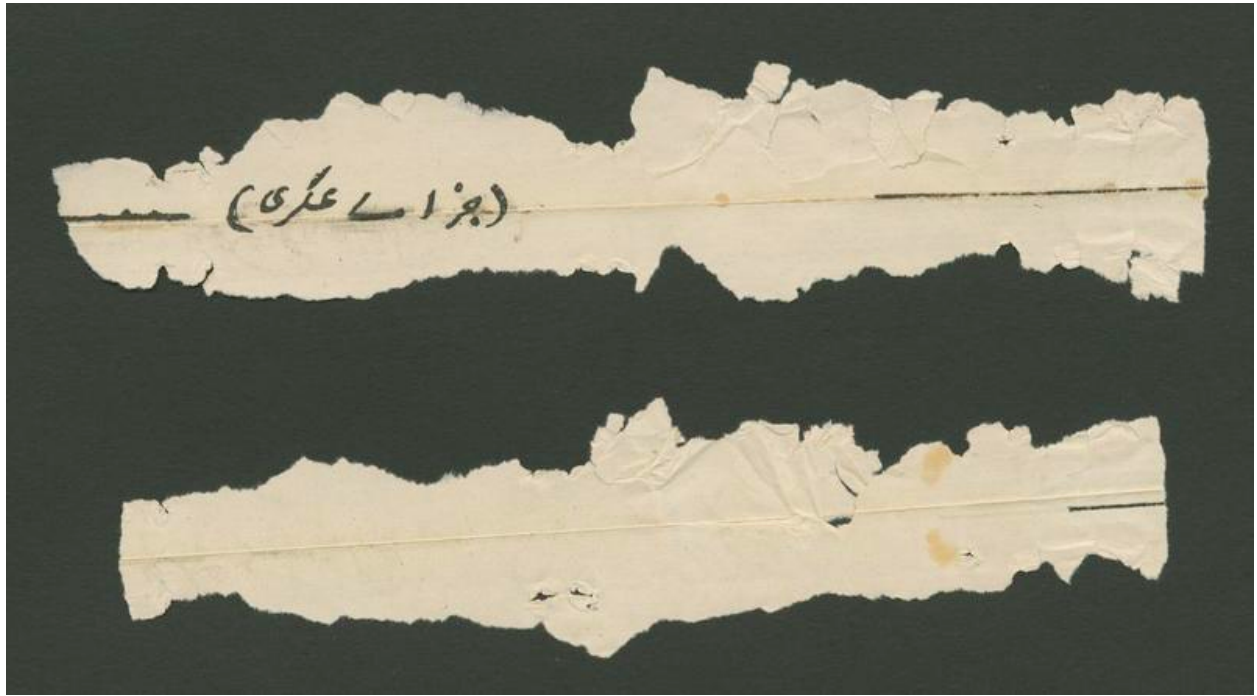
۹: — در وقت حضور موضع مقرری خود را ترک نکند

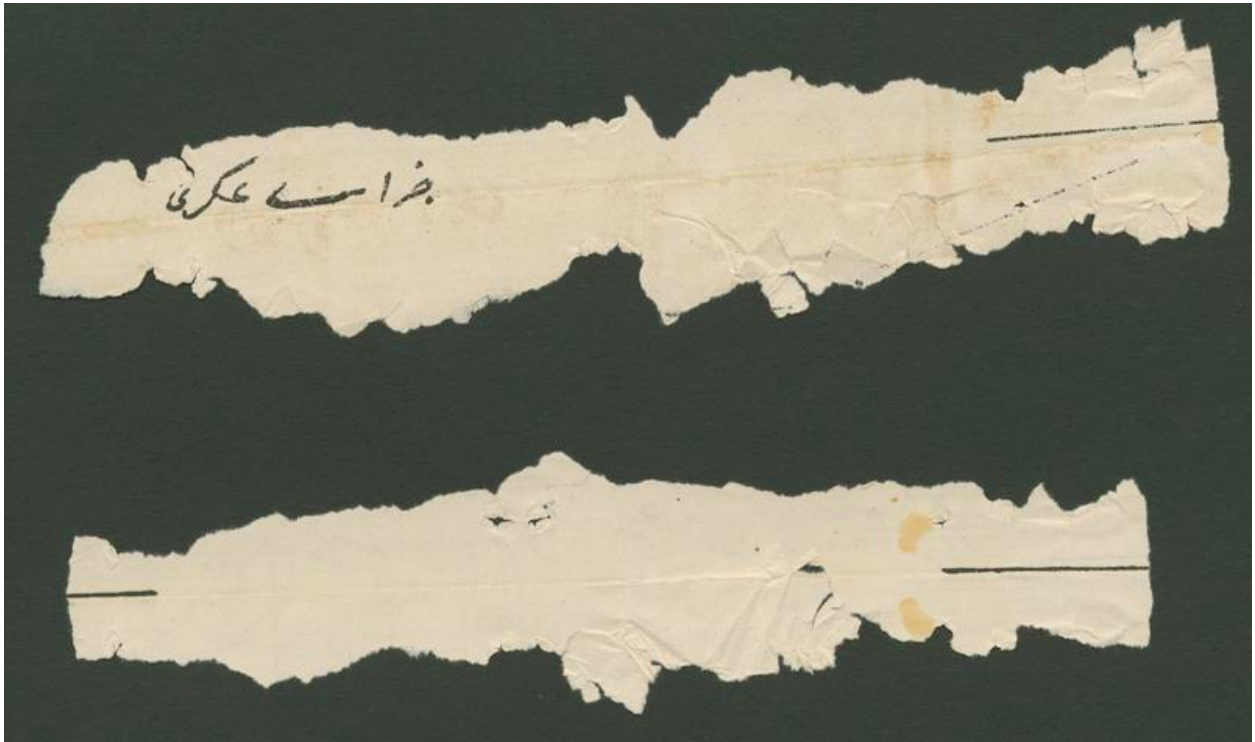
۱۰: — بحضور منصبدار مافوق بکفر ابدانیه صلاحیت خود

بجازات و ادن

۱۱: — بدون سلسله مراتب اجرای وظیفه یعنی طیفه

خزانه عکس





ما فوق یا ماتحت خود را که از دائره صلاحیت خودش
بالا یا پائینتر است اجرا کند .

۱۲: — در داخل یا خارج خدمت عسکریه ما فوق خود را
بطرزیکه تربیه عسکریه نشان داده احترام نکند .

۱۳: — بدون سلسله مراتب نفوذ امر نماید (در صورتیکه
منصبدار ماتحت موجود نباشد یا یک کار فوری پیش
شود از جزای قباح مستثناست) .

۱۴: — بحضور ما فوق یک اوضاعیکه خلاف قانون عسکر
باشد اجرا کند .

۱۵: — بالاتر از اختیار را که خود در حق ماتحت امر با اجرا
ضرب و یا حبس نمودن .

۱۶: — اگر ما فوق بدون سلسله مراتب بکفر یا دودن را
خودش بکاری مقرر نماید .

۱۷: — وقتیکه بنا پوشیدن لباس سرکاری امر شود نفر
قطعه اش ملبس دیده شود .

۱۸: — بیکقطعه که راساً منسوب نیست و از آمر بزرگتر برگرفته خود را
یکی از آنها بیک کاری معین کند .

- ۱۹: — بمقابل با فوق بی پروائی کند .
- ۲۰: — جزائیکه مطابق مواظفات نامه برایش معین شده باشد
- در حین اجرا گفتگو و اقامه و لائل نمودن .
- ۲۱: — در حین تعلیم سکرث و سوار و حلیم کشیدن .
- تفصیلاتیکه نظر بفعل سلاح اندازان قباحه دانسته شده :-
- ۱: — در حضور وقت طرم جمع حاضر شدن .
- ۲: — داخل تعلیم غلغله کردن سخن زدن خنده کردن .
- ۳: — داخل تعلیم سوار و حلیم یا سکرث کشیدن .
- ۴: — بدون امر منصبدار خارج از لیکن شدن .
- ۵: — در اجرای امر منصبدار با فوق تعافلی و سهل انگاری نمودن .
- ۶: — در وقت تعلیم سخن و از و لا ابالیانه آمدن .
- ۷: — در وقت پیره نشستن .
- ۸: — بحضور منصبدار خلاف وضع عسکریه حرف زدن .
- ۹: — بنوبت پیره خود در اول وقت حاضر شدن .
- ۱۰: — هنگام پیره خود با کسی مجلس نمودن یا غزل خواندن .
- ۱۱: — نوبت جمعی کوتاه غیر حاضر شدن .

(جزای عسکر)

۱۲: — بنظا سماء صفائی کو تہ ولین پرداخت نکردن .

۱۳: — بارفغان خود الفاظ رکیک و اطالہ لسان
کردن .

۱۴: — خلاف مرضی رفغان اشیا سے اندیوارمی
صرف نمودن .

۱۵: — البسہ و سایر تجہیزات عسکرئہ خود را پاک نگاہ
نکردن .

۱۶: — بلوسن سایر تجہیزات خود را پارہ کردن یا بیزنگ
پینہ نمودن یا تگہ و چنگل را گم کردن .

۱۷: — سلاح خود را پاک نکردن .

۱۸: — اسلحہ خود را زخمی نمودن (در صورتیکہ
مرمت طلب باشد) جورہ آن را پسینہ
نآویہ نماید .

۱۹: — بوقت معین اسلحہ خود را تحویل نکردن .

۲۰: — تفنگ خود را بالذات تحویل نکردن .

۲۱: — بکشت مال مردم ضرر رسانیدن .

۲۲: — با مردمان بیشراف و ہرزہ آشنائی داشتن .

۲۳: — در مجامع لایحه قمار و مسکرات و فعل شایع باش

رفتن .

۲۴: — غیبت یک صنف عکس و یا از منصبه

خود را کردن .

۲۵: — بهمه منصبداران رسم تقطیم اجرا کردن .

۲۶: — با اتفاق کثیره عرض و شکایت کردن .

۲۷: — در حینیکه منصبدار امر میکند اطاعت

نکردن .

۲۸: — امر منصبدار دوم را با وجودیکه هنوز وقت

باقیت بمنصبدار اول اطلاع ندادن .

۲۹: — بحضور منصبدار بایکفر مزاج و خنده کردن .

۳۰: — پیش روی منصبدار که امر نقر را

و شناسم دادن

۳۱: — در وقت تعلیم بقومانده معلم پرداخت

نکردن .

مورخ (۱۵) برج میزان سنه (۱۳۰۲)

۸۴

اجرای احکام این نظامنامه را درجمله



نظامات دولت اراده میبایم

(جزایر عکری)